



مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

اقتصاد به زبان ساده

(شماره ۲۵)

توسعه

تهیه شده در:

معاونت اقتصادی

مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

۲۴ دی ماه ۱۳۹۶



پيشگفتار

به منظور آشنايی هر چه بيشتر علاقمندان با مفاهيم اقتصادي و به کارگيري صحيح اين موارد در تحليل‌هاي اقتصادي، ايده تهيه و ارائه بروشورهايي با عنوان "اقتصاد به زبان ساده" در معاونت اقتصادي اتاق ايران طرح گرديد و توسط مرکز تحقيقات و بررسي‌هاي اقتصادي به اجرا درآمد. نسخه پيش‌رو، بيست و پنجمين خروجي اين ايده می‌باشد. به‌منظور بهبود نسخه‌هاي بعدي، در انتها يک فرم ارزيابي تهيه و تنظيم گرديده است که خواهشمنديم فرم مذکور را تکميل و از طريق ديبر کميسيون خود يا آدرس ايميل research-center@iccim.ir مرکز تحقيقات را از نظرات ارزشمند خود آگاه سازيد.

مفهوم توسعه اقتصادي

توسعه اقتصادي به‌عنوان رشد اقتصادي همراه با تغيير و تحولات کيفي تعريف می‌شود. گاهي به اشتباه توسعه معادل رشد اقتصادي در نظر گرفته می‌شود و اين تصور به‌وجود می‌آيد که کشورهايي با رشد اقتصادي بيشتر، توسعه‌يافته‌ترند اما اين‌طور نيست، چرا که علاوه بر ميزان رشد، ماهيت آن نيز از اهميت برخوردار است. اين که در ازاي رشد مورد نظر، ميزان فقر، نابرابري و بيکاري در جامعه چقدر بهبود يافته است، از مباحث اساسي در توسعه است. اگر اين موارد بدتر شده باشند قطعاً نمی‌توان گفت توسعه اتفاق افتاده است، حتی اگر رشد اقتصادي يا درآمد سرانه، دو برابر شده باشد. در اين مورد می‌توان به تجربه کشورهای جهان سوم در دهه‌هاي ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ اشاره کرد که علی‌الرغم دستيابي به نرخ‌هاي رشد تعيين شده از سوي سازمان ملل برای دست يافتن به توسعه، نه تنها سطح زندگي توده مردم در بيشتر زمينه‌ها تبيري نکرد، بلکه فقر و نابرابري نيز تشديد شد. اين در حالی است که توسعه اقتصادي بايد ارتقاي فراگير و همه‌جانبه سطح زندگي و رفاه جامعه را در بر داشته باشد.

بنابراين توسعه اقتصادي صرفاً يک موضوع اقتصادي نيست، بلکه جرياني چند بُعدی است که مستلزم تحولات بنياني در ساخت فرهنگي، اجتماعي، حقوقي، سياسي و اقتصادي است و با توجه به اثر همه‌جانبه توسعه بر زندگي مردم، ضروري است دولت‌ها دستيابي به آن را در اولويت خود قرار دهند.



اهداف توسعه

توسعه به وضعیتی اطلاق می‌شود که حداقل سه هدف یا شرط زیر را محقق سازد:

- **هدف اول:** امکان دسترسی بیشتر به کالاها و خدمات تداوم‌بخش زندگی مانند خوراک، مسکن، بهداشت و امنیت و توزیع گسترده این نوع کالاها.
- **هدف دوم:** افزایش سطح و استانداردهای زندگی و بهره‌مندی انسان‌ها از مواهب مادی (همچون درآمدهای بالاتر، اشتغال بیشتر، آموزش با کیفیت‌تر) و توجه بیشتر به ارزش‌های فرهنگی و انسانی. در واقع، تمام آنچه که نه تنها به پیشرفت مادی کمک می‌کند، بلکه موجب القای احترام و عزت‌نفس بیشتر، هم در سطح فردی و هم در سطح ملی می‌گردد.
- **هدف سوم:** گسترش دامنه انتخاب‌های اقتصادی و اجتماعی افراد و ملت‌ها در زندگی، ارتقای حقوق مدنی اشخاص، آزادی‌اندیشه‌ها و برابری در مقابل قانون؛ رفع تبعیض‌ها و مواردی از این قبیل.

سیر تکاملی دیدگاه‌های مربوط به توسعه اقتصادی

بعد از جنگ جهانی دوم، بسیاری از حکومت‌های تازه استقلال یافته به دنبال راه‌حلی برای تسریع روند توسعه در کشور خود بودند. در این دوران اقتصاددانان مدلی از راهبرد توسعه را تدوین کردند که اولاً فعالیت شدید دولت را می‌طلبد (چرا که به‌نظر بسیاری از آنها، ویژگی بارز یک اقتصاد کمتر توسعه‌یافته، ناکامی‌های گسترده بازار بود) و ثانیاً بر انباشت سرمایه فیزیکی تأکید داشت.

موفقیت کشورهای اروپایی درگیر در جنگ جهانی دوم، در خصوص حل سریع مشکلات با تزریق سرمایه، این تصور را به‌وجود آورده بود که توسعه امری آسان است و به سادگی از طریق افزایش سرمایه‌گذاری محقق می‌شود. بر همین اساس، شتاب بخشیدن به روند سرمایه‌گذاری‌ها به مهم‌ترین هدف سیاست‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه تبدیل شد. همچنین با توجه به این که این کشورها، در کوتاه‌مدت از ظرفیت کافی برای تجهیز و انباشت پس‌انداز به‌منظور تأمین منابع مورد نیاز

برای سرمایه‌گذاری برخوردار نبودند به آنها توصیه شد سطح پایین پس‌اندازهای خود را با کمک‌های خارجی تقویت کنند. در این میان، بیشترین سطح خوشبینی در میان کشورهای صاحب منابع طبیعی دیده می‌شد که تصور می‌کردند با اتکاء به درآمدهای فروش منابع طبیعی خود بسیار آسان‌تر می‌توانند مشکل کمبود پس‌انداز را حل کنند و با حداکثر سرعت به‌سوی توسعه حرکت کنند. با این حال و به‌رغم خوشبینی زیاد به تمام این توصیه‌ها، معلوم شد در بسیاری از کشورها، همچنان فقر زیادی وجود دارد، تعداد زیادی از مردم بیکار یا دچار اشتغال ناقص‌اند، شمار افراد مبتلا به فقر مطلق افزایش یافته و نابرابری بیشتری در توزیع درآمد و دارایی‌ها به‌وجود آمده است.

برای توضیح این ناکامی‌ها، انتقادات متوجه سیاست‌های عمومی دولت شد. از این‌رو بر خلاف گذشته اقتصاددانان برای تحلیل مسئله توسعه، به اقتصاد بازار روی آوردند و با محدود کردن نقش دولت در اقتصاد، گسترش هر چه بیشتر تجارت آزاد بین‌المللی را به‌عنوان راهی موثر در جهت خروج از توسعه‌نیافتگی معرفی کردند. بر اساس همین تفکر بود که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، برنامه تعدیل ساختاری در راستای دستیابی به توسعه در کشورهای در حال توسعه اجرا شد.

در این دوران نیز مشکل اصلی توسعه‌نیافتگی کشورهای در حال توسعه، کمبود پس‌انداز و سطح پایین سرمایه‌های فیزیکی اعلام شد. توسعه اقتصادی نیز همچنان معادل رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شد؛ به‌طوری‌که اقتصاددانان، رشد اقتصادی را به‌عنوان شاخص سنجش عملکرد کشورها به رسمیت می‌شناختند. اما مدت زیادی طول نکشید که محدودیت‌های این شاخص نیز برای نمایش واقعیت‌های مربوط به روند تحولات کشورهای در حال توسعه آشکار شد.

مطالعات نشان داد که بر خلاف باور رایج، کشورهای در حال توسعه با محدودیت پس‌انداز روبرو نیستند و متوسط نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی برای این کشورها نزدیک به دو برابر نسبت مشابه برای کشورهای صنعتی است. بعلاوه از آنجا که با وجود یک دهه افزایش در تولید ناخالص ملی کشورهای در حال توسعه، نفع چندانی عاید فقیرترین بخش جمعیت آنها نشده بود، اقتصاددانان در مورد یکسان بودن رشد و توسعه دچار تردید شدند و به‌تدریج این توافق به‌وجود آمد که محوریت

رشد اقتصادی، باعث شده فلسفه اصلی همه این کوشش‌ها، یعنی بهتر و ارزشمندتر کردن زندگی برای تمام انسان‌ها فراموش شود. از این روی، مسائل مربوط به انسان‌ها، بیش از پیش مورد توجه اقتصاددانان توسعه قرار گرفت و روشن شد برای توسعه لازم است در جستجوی نگاهی باشیم که به ارتقای همه جانبه کیفیت زندگی انسان‌ها می‌انجامد.

برخی از نماگرها و شاخص‌های توسعه اقتصادی

به‌منظور اندازه‌گیری میزان دستیابی کشورها به اهداف توسعه و سنجش میزان تغییر در درجه توسعه‌یافتگی آنها در طی زمان، شاخص‌های گوناگونی طراحی شده است. این شاخص‌ها در ابتدا تنها معیارهای اقتصادی را مد نظر قرار می‌دادند، اما به‌مرور با توجه به عدم توانایی آنها برای بررسی پدیده چندوجهی توسعه، اجزاء آنها به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گسترش یافت و شاخص‌های ترکیبی برای اندازه‌گیری توسعه به شاخص‌های قبلی اضافه شدند. برخی از مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارتند از:

درآمد ناخالص ملی (GNI)¹ یا تولید ناخالص ملی (GNP):

یکی از معیارهای اندازه‌گیری توسعه اقتصادی، افزایش در درآمد ملی واقعی در طول یک دوره بلندمدت اقتصادی است. اما این معیار نمی‌تواند یک معیار کامل و قانع‌کننده باشد؛ چرا که رشد جمعیت را نادیده می‌گیرد. همچنین در این تعریف، توزیع درآمد، مد نظر قرار نمی‌گیرد در حالی که این مهم است که درآمد افزایش یافته موجب کاهش نابرابری‌های اقتصادی، فقر و بیکاری شده باشد.

¹ Gross National Income

درآمد ناخالص ملی سرانه^۱: دومین معیار اندازه‌گیری توسعه اقتصادی، محاسبه درآمد واقعی سرانه است.^۲ اگر بخواهیم نشان دهیم که اقتصادی رشد داشته است، حتماً بایستی نرخ رشد درآمد واقعی سرانه بیشتر از نرخ رشد جمعیت باشد. ممکن است درآمد سرانه افزایش یابد و تاثیر چندانی روی ارتقای استانداردهای زندگی توده‌های مردم نداشته باشد و فقط نصیب گروهی از ثروتمندان جامعه شوند. بنابراین، این معیار نیز پاسخی در خصوص چگونگی توزیع درآمد و تولید بین اعضاء جامعه ندارند. به‌طور کلی هم درآمد سرانه ملی و هم درآمد ناخالص ملی، معیارهای هستند که فقط از نظر کمی و نه از نظر کیفی، تغییرات اقتصادی را اندازه‌گیری می‌کنند. بنابراین اگرچه برای دست یافتن به توسعه لازم هستند، اما کافی نمی‌باشند.

توزیع درآمد: همان‌طور که قبلاً بیان شد بیشتر بودن درآمد یا تولید ناخالص ملی سرانه کشور، الزاماً نشان‌دهنده برخورداری بیشتر آحاد جامعه از مواهب مادی نیست. این نکته مهم است که درآمد چگونه بین افراد جامعه توزیع می‌شود و سهم دهک‌های گوناگون درآمدی از یک تولید و درآمد چقدر است. این معیار علاوه بر جنبه مطلق توسعه‌یافتگی (میزاد درآمد سرانه)، به جنبه‌های نسبی (نسبت بهره‌مندی اقشار گوناگون از آن) نیز توجه می‌کند. یکی از شاخص‌های مهم در خصوص مطالعه نحوه توزیع درآمد در یک کشور، ضریب جینی^۳ است. این ضریب بین اعداد صفر و یک تغییر می‌کند و هر چه به یک نزدیکتر باشد، نشان می‌دهد توزیع درآمد نابرابرتر است و دسترسی افراد فقیر به مزایای حاصل از رشد اقتصادی کمتر است.

¹ Gross National Income Per capita (GNI Per Capita)

^۲ از آنجا که شاخص درآمد سرانه بر اساس قیمت‌های محلی کشورها محاسبه می‌شود و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، در مقایسه‌های بین‌المللی درآمد ملی سرانه را بر اساس برابری قدرت خرید (Purchasing Power Parity (PPP)) محاسبه می‌کنند. برابری قدرت خرید در واقع، قدرت خرید مجموعه مشخصی از کالاها و خدمات را برای کشورهای مختلف بر حسب دلار آمریکا محاسبه می‌کند. البته در خصوص این شاخص نقدهایی وجود دارد.

³ Gini Coefficient



وسعت فقر: وسعت فقر نیز به سطح متوسط درآمد ملی و درجه نابرابری در توزیع درآمد بستگی دارد. در هر سطح از درآمد ملی سرانه، هر چه سطح متوسط درآمد پایین‌تر باشد، و یا هر چه توزیع درآمد ناعادلانه‌تر باشد، میزان فقر بیشتر است. در دهه ۱۹۷۰، مسئله فقر و توزیع آن مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت و مفاهیم خط فقر^۱ و فقر مطلق^۲ برای تعیین حداقل درآمد مورد نیاز برای ادامه بقا و معیشت افراد یک جامعه بر اساس تامین نیازهای اولیه غذا، پوشاک و مسکن وضع شد.

شاخص توسعه انسانی (HDI):^۳ این شاخص ترکیبی از سه بُعد اساسی توسعه انسانی شامل امید به زندگی در بدو تولد^۴ که میزان توانایی برای زندگی سالم و طولانی را منعکس می‌کند، متوسط سال‌های تحصیل و سال‌های مورد انتظار تحصیلی که توانایی کسب دانش را نشان می‌دهد و درآمد ناخالص ملی سرانه که حکایت از توانایی دستیابی به یک زندگی استاندارد، مناسب و معقول است. برای ارزیابی جامع‌تر این شاخص، گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، شاخص‌های ترکیبی دیگری هم‌چون شاخص توسعه جنسیتی^۵ (که مقدار توسعه انسانی را برای مردان و زنان می‌سنجد) و شاخص نابرابری جنسیتی^۶ (که توانایی زن‌ها را ارزیابی می‌کند) را نیز ارائه می‌دهد.

شاخص‌های توسعه جهانی:^۷ بانک جهانی به‌صورت سالانه گزارشی با عنوان "شاخص‌های توسعه جهانی" منتشر می‌کند. این گزارش شامل آمارهای مربوط به توسعه کشورها است که از شش بخش شامل چشم‌انداز جهانی^۸، فقر و رفاه عمومی^۹، منابع انسانی، محیط زیست، اقتصاد، دولت‌ها و بازار و ارتباط جهانی^{۱۰} تشکیل شده است. در این گزارش وضعیت کشورهای مختلف جهان در زمینه

^۱ خط فقر به‌عنوان حداقل سطح درآمد برای گذران زندگی در یک کشور خاص نظر گرفته می‌شود.

^۲ بنا بر اعلام بانک جهانی در سال ۲۰۱۵، افرادی با درآمد زیر ۱,۹۰ دلار در روز، در فقر شدید یا فقر مطلق به‌سر می‌برند.

^۳ Human Development Index (HDI)

^۴ Life expectancy at birth

^۵ Gender Development Index

^۶ Gender Inequality Index

^۷ World Development Indicators

^۸ World view

^۹ Poverty and shared prosperity

^{۱۰} Global links

اندازه اقتصاد، وضعیت فقر، میزان مشارکت زنان در توسعه، بیکاری، وضعیت مشارکت در نیروی کار، شهرنشینی، شرایط محیط زیست، رشد اقتصادی، ساختار تولید و ... مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شاخص‌های دیگری نیز وجود دارند که محققین و صاحب‌نظران توسعه بنا بر ذهنیت‌ها و نقطه نظرات خود برای آنها نقش تعیین‌کننده‌ای در روند توسعه در نظر گرفته‌اند که می‌توان به برخی از آنها به شرح زیر اشاره کرد:

تغییر ساختار اقتصادی: تغییر ساختار عبارت است از افزایش سهم بخش خدمات و صنعت از نیروی کار و ارزش افزوده، نسبت به بخش کشاورزی. با این حال این نقد نیز به برخی از اقتصاددانان کشورهای در حال توسعه وارد شده است که بیشتر بر توسعه سریع صنعتی و شهرنشینی در کوتاه‌مدت آن هم به قیمت نابودی بخش کشاورزی تأکید می‌کنند؛ در حالی که حل مشکلات اصلی اجتماعی - اقتصادی موجود از قبیل فقر، بی‌سوادی، بیکاری و توزیع عادلانه‌تر درآمدها را دارای اهمیت جانی می‌دانند و در اولویت قرار نمی‌دهند.

ویژگی نهادهای اجتماعی: خصوصیات نهادهای اجتماعی انعکاسی از ماهیت و چگونگی توسعه اجتماعی در یک کشور است. این که نهادهای اجتماعی مدنی به چه درجه‌ای از رشد و بالندگی رسیده‌اند، مشارکت مردمی در این نهادها به چه میزان است و نظرات آنها چه اندازه از طریق این نهادها به بالاترین سطوح تصمیم‌گیری منعکس می‌شود، ابعاد مهمی از پیشرفت یا عقب‌افتادگی را به نمایش می‌گذارد.

تمرکززدایی و مشارکت: امروزه تمرکززدایی و کاهش حجم فعالیت‌های دولتی و واگذاری امور به بخش خصوصی از مباحث مهم در توسعه اقتصادی به‌شمار می‌آید. همچنین کوشش‌های سازمان‌یافته برای افزایش فعالیت در میان گروه‌هایی که مشارکت اجتماعی و اقتصادی از آنها دریغ شده است، به یک ضرورت برای دستیابی به توسعه تبدیل شده است. در این زمینه می‌توان به



توصیه‌های بانک جهانی در خصوص ترویج برنامه‌های مشارکت عمومی - خصوصی^۱ و یا گفتگوی عمومی - خصوصی^۲ اشاره نمود.

میزان تنش‌های اجتماعی: تنش‌های اجتماعی، مانعی بزرگ در برابر برنامه‌ریزی‌های توسعه و جذب سرمایه‌گذاری‌های بنیانی و درازمدت هستند. عدم توجه به نیازهای بخش محروم جامعه یکی از عوامل مهم تنش‌زا در کشورها به‌شمار می‌رود.

قدرت نهادهای قانونی: وجود نهادهای رسمی نظیر قوه مقننه، قضاییه و مجریه و شوراهای محلی و شهری و یا احزاب که قواعد بازی را در محیطی رقابتی رعایت می‌کنند و صرفاً تقلیدی از دنیای مدرن نیستند، برای دستیابی به توسعه ضروری می‌باشند.

نگاهی به توسعه اقتصادی در ایران

با وجود گذشت ۶۰ سال از شروع برنامه‌ریزی توسعه در ایران و علی‌رغم همه تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها و کسب توفیقات نسبی آن هم با صرف هزینه‌های سنگین و با استفاده از منابع طبیعی و تجدیدنپذیر، اقتصاد هنوز با مسائل و مشکلات زیادی مواجه است و کشور در تقسیم‌بندی‌های جهانی در زمره کشورهای در حال توسعه قرار دارد. در ادامه وضعیت کشور در خصوص برخی از شاخص‌های توسعه که در بخش قبلی به آنها اشاره شد و آمارهای آنها موجود است، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

¹ Public Private Partnership (PPP):

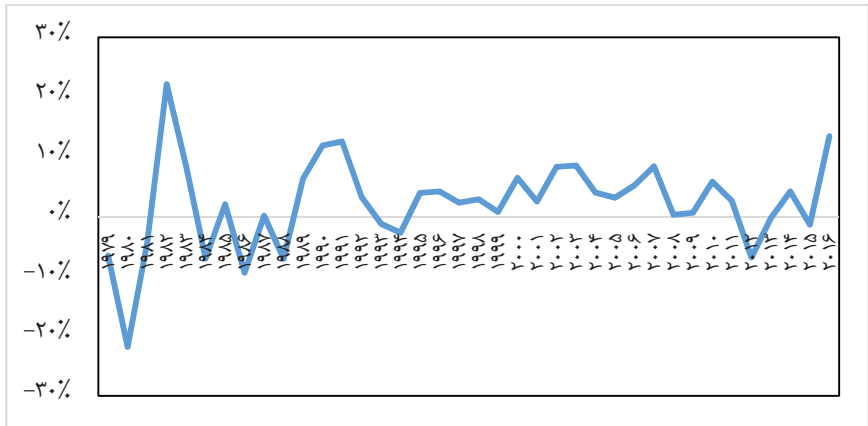
مشارکت عمومی - خصوصی مکانیزمی است که در آن بخش عمومی (دولت و سایر نهادهای حکومتی) به‌منظور تأمین خدمات زیربنایی (اعم از آب و فاضلاب، حمل و نقل، سلامت، آموزش و...) از ظرفیت‌های بخش خصوصی (اعم از دانش، تجربه و منابع مالی) استفاده می‌نماید به بیان دیگر بخش خصوصی به نیابت از دولت در برخی از وظایف و مسئولیت‌های تأمین این خدمات نقش آفرینی می‌کند و دولت به کار سیاست‌گذاری، تنظیم مقررات و نظارت بر کیفیت و کمیت خدمات ارائه شده می‌پردازد.

² Public Private Dialogue (PPD):

بر اساس اعلام بانک جهانی، گفتگوی عمومی - خصوصی نیز نوعی تعامل ساختاری بین بخش‌های عمومی و خصوصی با هدف ترویج شرایط مناسب برای توسعه بخش خصوصی، بهبود محیط کسب و کار و کاهش فقر می‌باشد.

(رشد) درآمد (تولید) ناخالص ملی^۱: بر اساس اعلام بانک جهانی، درآمد ناخالص ملی کشور (به قیمت ثابت دلار آمریکا ۲۰۱۰)^۲، در سال ۲۰۱۶ حدود ۵۴۱,۹۴ میلیارد دلار بوده است. نمودار شماره (۱) درصد سالیانه رشد درآمد ناخالص ملی کشور^۳ را طی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۶ نشان می‌دهد.

نمودار (۱) رشد سالیانه درآمد ناخالص ملی در دوره زمانی ۲۰۱۶-۱۹۷۹ (درصد)



Source: www.worldbank.org

همانطور که در نمودار (۱) مشاهده می‌شود، درآمد (تولید) ناخالص ملی در ایران از ثبات و پایداری لازم برخوردار نیست و رفتار نوسانات شدید است که خود گویای ضعف نظام تولید و اتکای شدید تولید به منابع نفت و گاز می‌باشد. این در حالی است که رشد اقتصادی پایدار و بر پایه فعالیت‌های تولیدی یکی از شرایط لازم برای تحقق توسعه است.

درآمد ناخالص ملی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید: بنا بر گزارش بانک جهانی از شاخص‌های توسعه جهانی (۲۰۱۷)، درآمد ناخالص ملی سرانه بر حسب برابری قدرت خرید (به قیمت

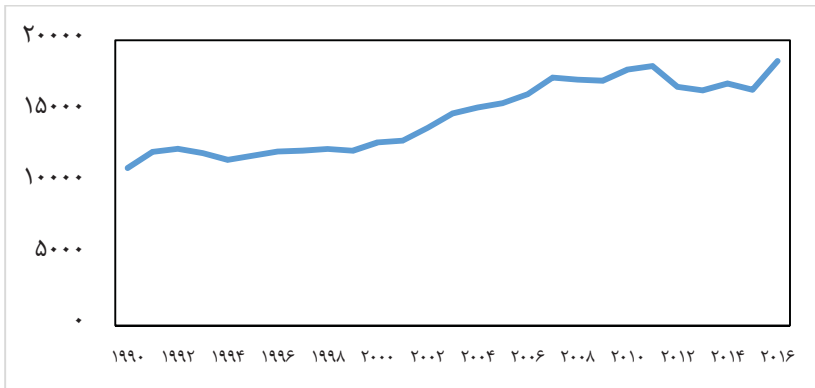
^۱ اقلامی هم‌چون درآمد یا تولید ناخالص ملی از تولید ناخالص داخلی (GDP) مشتق می‌شوند (بانک مرکزی ایران).

^۲ GNI (constant 2010 US\$)

^۳ GDP growth (annual %)

ثابت دلار بین‌المللی (۲۰۱۱)^۱ ایران، در سال ۲۰۱۶، ۱۸٫۵ هزار دلار بوده است. کشور ما با این سطح از درآمد، در گروه کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط^۲ قرار گرفته است که شاید درآمدهای حاصل از فروش نفت در کسب این امتیاز بی‌تاثیر نبوده باشد. روند درآمد ناخالص ملی سرانه کشور بر اساس برابری قدرت خرید طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ در نمودار شماره (۲) نمایش داده شده است.

نمودار (۲) درآمد ناخالص ملی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید در دوره زمانی ۲۰۱۶-۱۹۹۰ (هزار دلار)



Source: www.worldbank.org

همچنین مقایسه این شاخص برای ایران و برخی از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (منا)^۳، در جدول شماره (۱) نشان داده شده است. همان‌طور که مشخص است کشور ما در بین ۱۰ کشوری که آمارهای آنها موجود است در مقام ششم قرار دارد.

^۱ GNI per capita, PPP (constant 2011 international \$)

^۲ Upper Middle Income

^۳ بر اساس تقسیم‌بندی بانک جهانی در گزارش شاخص‌های جهانی توسعه (۲۰۱۷)، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) عبارتند از: الجزیره، بحرین، جیبوتی، مصر، ایران، عراق، رژیم صهیونیستی، اردن، کویت، لبنان، لیبی، مالت، مراکش، عمان، قطر، عربستان، سوریه، تونس، امارات، کرانه باختری و غزه، یمن.



جدول (۱) رتبه درآمد ناخالص ملی سرانه کشورهای حوزه منا (سال ۲۰۱۶)

رتبه	کشور	درآمد ناخالص ملی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید (به قیمت ثابت دلار بین‌المللی ۲۰۱۱) ^۱
۱	کویت	۷۴۱۰۹
۲	امارات	۶۷۴۹۷
۳	عربستان	۵۱۳۸۳
۴	مالت	۳۳۶۱۶
۵	رژیم صهیونیستی	۳۲۲۶۷
۶	ایران	۱۸۵۴۴
۷	الجزایر	۱۳۳۱۱
۸	لبنان	۱۳۰۳۲
۹	مصر	۱۰۱۸۳
۱۰	مراکش	۷۱۳۶

Source: www.worldbank.org.

توزیع درآمد: در گزارش توسعه انسانی (۲۰۱۶)، آمارهای مربوط به میزان نابرابری درآمدی^۲ در سال ۲۰۱۵ برای ۱۵۴ کشور جهان موجود است. در بین کشورهای مذکور آذربایجان با ۸٫۹ درصد نابرابری درآمدی و آفریقای جنوبی با ۵۶٫۴ درصد نابرابری درآمدی به ترتیب از کمترین و بیشترین نابرابری در زمینه درآمد برخوردار هستند. در این میان ایران با ۴۶٫۶ درصد نابرابری درآمدی در جایگاه ۱۴۵ و تنها با ۹ پله فاصله با آفریقای جنوبی قرار گرفته است. همان‌طور که مشخص است از نظر توزیع درآمد کشور ما ایران در شرایط مناسبی نیست.

گزارش مذکور همچنین میزان ضریب جینی و نسبت درآمد متوسط ۲۰ درصد از ثروتمندترین جمعیت کشور به درآمد متوسط ۲۰ درصد از فقیرترین جمعیت را برای ۱۴۴ کشور تخمین زده است. بر

^۱ بانک جهانی درآمد ناخالص ملی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید را به قیمت ثابت دلار بین‌المللی سال ۲۰۱۱ اعلام نموده است و این شاخص به قیمت دلار آمریکا در سال ۲۰۱۰ موجود نیست.

^۲ Inequality in income

همین اساس، میزان ضریب جینی ایران در دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۱۰، ۰,۳۷، از یک برآورد شده است. همچنین نسبت درآمد متوسط ۲۰ درصد از ثروتمندترین جمعیت ایران به درآمد متوسط ۲۰ درصد از فقیرترین جمعیت، ۶,۶ اعلام گردیده است^۱ که در بین ۱۴۴ کشوری که نسبت مذکور برای آنها موجود است در جایگاه مشترک با کشورهای وانواتو و سریلانکا در رتبه ۸۱ قرار دارد. لازم به ذکر است که این رتبه هرچه بیشتر باشد به معنی بدتر شدن فاصله درآمدی است.

شاخص توسعه انسانی: بر اساس آخرین گزارش توسعه انسانی (۲۰۱۶)، ایران در سال ۲۰۱۵ با کسب امتیاز ۰,۷۷۴، از ۱ در میان ۱۸۸ کشور به رتبه جهانی ۶۹ در شاخص توسعه انسانی دست یافته است (جدول ۲) و در این شاخص در گروه کشورهای دارای توسعه انسانی بالا قرار گرفته است.^۲ همچنین طبق این گزارش، متوسط رشد سالانه توسعه انسانی^۳ در ایران طی سالهای ۲۰۱۵-۱۹۹۰، ۱,۲۲ درصد بوده است.

جدول (۲) شاخص توسعه انسانی و اجزای آن در ایران، سال ۲۰۱۵

درآمد ملی سرانه (قدرت خرید) ^۴ (دلار)	میانگین سالهای مدرسه	سالهای تحصیلی مورد انتظار	امید به زندگی در بدو تولد (سال)	شاخص توسعه انسانی	
				رتبه	امتیاز
۱۶,۳۹۵	۸,۸	۱۴,۸	۷۵,۶	۶۹	۰,۷۷۴

Source: Human Development Report (2016)

^۱ این نسبت برای درآمد ۱۰ درصد از ثروتمندترین جمعیت کشور به درآمد ۱۰ درصد از فقیرترین جمعیت کشور بیشتر است.
^۲ گزارش توسعه انسانی، کشورهای جهان را از نظر میزان توسعه انسانی به چهار گروه کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا، کشورهای با توسعه انسانی بالا، کشورهای با توسعه انسانی متوسط و کشورهای با توسعه انسانی پایین تقسیم می‌کند.

^۳ Average annual HDI growth

^۴ GNI per capita, PPP (constant 2011 international \$)

لازم به یادآوری است که آمار این شاخص مربوط به سال ۲۰۱۵ و بر اساس اعلام سازمان ملل می‌باشد.

با توجه به لحاظ درآمد ملی سرانه (بر پایه برابری قدرت خرید)، در محاسبه شاخص توسعه انسانی این احتمال وجود دارد که کسب چنین امتیاز بالایی، علاوه بر پیشرفت‌های اجتماعی تحت تاثیر میزان درآمدهای نفتی نیز باشد. همچنین مقایسه امتیاز و رتبه جهانی توسعه انسانی ایران در میان ۲۱ کشور حوزه مناه، حاکی از آن است که کشور ما در مقام نهم بعد از رژیم صهیونیستی، قطر، مالت، عربستان، امارات، بحرین، کویت و عمان قرار دارد. همان‌طور که در بخش‌های قبلی مطرح شد برای ارزیابی جامع‌تر توسعه انسانی، می‌توان دو شاخص توسعه جنسیتی و نابرابری جنسیتی را نیز ارزیابی کرد. در ادامه وضعیت این شاخص‌ها در ایران بررسی می‌شود.

شاخص نابرابری جنسیتی (GII)^۱: این شاخص میزان کاهش در توسعه انسانی را به‌علت وجود نابرابری در دستاوردهای زنان و مردان در سه حوزه بهداشت (باروری، میزان مرگ و میر مادران و زایمان توسط نوجوانان)، توانمندسازی (تعداد نمایندگان زن در مجلس و دستاوردهای تحصیلی) و فعالیت‌های اقتصادی (میزان مشارکت زنان و مردان در بازار کار) بررسی می‌کند. بانک جهانی در سال ۲۰۱۶، شاخص نابرابری جنسیتی را برای ۱۵۹ کشور اعلام کرده که ایران دارای رتبه ۱۱۸ در جهان است. طبق این شاخص، کشور سوئیس از کمترین و یمن از بیشترین میزان نابرابری جنسیتی برخوردار بوده‌اند. رتبه‌های کسب شده توسط ایران در برخی از اجزای شاخص نابرابری جنسیتی عبارت است از:

- ایران در بین ۲۰۷ کشور از لحاظ سهم زنان در پارلمان در رتبه ۱۹۷ قرار دارد (این رتبه هر چه بیشتر باشد بدتر است).
- از لحاظ جمعیت با حداقل تحصیلات متوسطه در بین ۱۶۴ کشور، زنان ایرانی در رتبه ۸۰ و مردان ایرانی در رتبه ۷۴ قرار دارند (این رتبه هر چه بیشتر باشد بدتر است).
- از لحاظ نرخ مشارکت در نیروی کار در بین ۱۸۰ کشور، مردان ایرانی در رتبه ۱۰۲ و زنان ایرانی در رتبه ۱۷۷ قرار دارند.

^۱ Gender Inequality Index

همچنین، بانک جهانی رتبه ۱۹ کشور منا که اطلاعاتشان در شاخص نابرابری جنسیتی موجود است را طبق جدول شماره (۳) استخراج کرده است. کشور ما در منطقه منا در جایگاه چهاردهم قرار دارد.

جدول (۳) شاخص نابرابری جنسیتی در میان کشورهای حوزه منا (سال ۲۰۱۵)

رتبه جهانی	کشور	ردیف	رتبه جهانی	کشور	ردیف
۹۴	الجزیره	۱۱	۲۰	رژیم صهیونیستی	۱
۱۱۱	اردن	۱۲	۳۸	لیبی	۲
۱۱۳	مراکش	۱۳	۴۴	مالت	۳
۱۱۸	ایران	۱۴	۴۶	امارات	۴
۱۲۳	عراق	۱۵	۴۸	بحرین	۵
۱۲۷	قطر	۱۶	۵۰	عربستان	۶
۱۳۳	سوریه	۱۷	۵۴	عمان	۷
۱۳۵	مصر	۱۸	۵۸	تونس	۸
۱۵۹	یمن	۱۹	۷۰	کویت	۹
			۸۳	لبنان	۱۰

Source: Human Development Reports (2016)

با توجه به موارد ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که ایران از لحاظ نابرابری جنسیتی در جهان و نیز در منطقه منا (به‌ویژه در زمینه نرخ مشارکت زنان در نیروی کار) در شرایط نامناسبی قرار دارد. در بین ۲۱ کشور منطقه منا، کشور ما از نظر میزان مشارکت زنان در نیروی کار، در جایگاه هجدهم و در رده‌ای پایین‌تر از کشورهای هم‌چون رژیم صهیونیستی، قطر، کویت، امارات، بحرین، مالت، جیبوتی، و غیره قرار دارد (جدول ۴)

جدول (۴) درصد مشارکت زنان در نیروی کار در سطح کشورهای حوزه منا (سال ۲۰۱۵)

درصد مشارکت	کشور	ردیف	درصد مشارکت	کشور	ردیف
۲۵,۱	تونس	۱۲	۵۸,۹	رژیم صهیونیستی	۱
۲۳,۵	لبنان	۱۳	۵۳,۶	قطر	۲
۲۲,۸	مصر	۱۴	۴۸,۴	کویت	۳
۲۰,۱	عربستان	۱۵	۴۱,۹	امارات	۴
۱۷,۸	فلسطین	۱۶	۳۹,۲	بحرین	۵
۱۶,۸	الجزیره	۱۷	۳۸,۸	مالت	۶
۱۶,۲	ایران	۱۸	۳۶,۵	جیبوتی	۷
۱۵,۱	عراق	۱۹	۳۰	عمان	۸
۱۴,۲	اردن	۲۰	۲۷,۸	لیبی	۹
۱۲,۲	سوریه	۲۱	۲۵,۸	یمن	۱۰
			۲۵,۳	مراکش	۱۱

Source: Human Development Reports (2016)

شاخص توسعه جنسیتی (GDI)^۱: این شاخص میزان تفاوت‌ها در دستاوردهای زنان و مردان در سه محور اصلی توسعه انسانی یعنی بهداشت (امید به زندگی در بدو تولد)، آموزش (سنوات تحصیلی موردانتظار و میانگین سنوات تحصیلی برای بزرگسالان ۲۵ سال و بالاتر) و تسلط بر منابع اقتصادی (درآمد ناخالص ملی سرانه تخمین زده شده برای زنان و مردان) اندازه‌گیری می‌کند.

میزان هر یک از اجزای این شاخص در سال ۲۰۱۵ برای کشورمان ایران به شرح زیر بوده است:

- امید به زندگی در بین زنان ۷۶,۷ و در بین مردان ۷۴,۵ بوده است.
- متوسط سال‌های تحصیلی برای زنان ۸,۵ سال و برای مردان ۹,۱ سال بوده است.

¹ Gender Development Index

- درآمد ناخالص ملی سرانه بر حسب برابری قدرت خرید^۱ برای زنان در حدود ۵,۱۳۲ هزار دلار و برای مردان ۲۷,۴۹۹ هزار دلار برآورد شده است.^۲

همچنین ایران از لحاظ توسعه جنسیتی در بین ۲۰ کشور حوزه منا^۳، در جایگاه شانزدهم قرار دارد و تنها چهار رتبه با یمن که دارای پایین‌ترین میزان توسعه جنسیتی در این منطقه است، فاصله دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت توسعه جنسیتی نیز در کشور غیرقابل قبول است.

شاخص‌های توسعه جهانی: برخی از اطلاعات استخراج شده از آخرین گزارش سازمان ملل از وضعیت ایران در شاخص‌های توسعه جهانی به شرح جدول شماره (۵) می‌باشند. آمارهای مذکور حاکی از آن هستند که سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی طی دوره زمانی ۲۰۱۶-۱۹۹۰ بسیار بیشتر از سهم بخش‌های صنعت و کشاورزی بوده است. لازم به ذکر است که بخش خدمات در ایران با خدمات در کشورهای صنعتی بسیار متفاوت است. این بخش در کشورهای صنعتی، پشتوانه بخش صنعت است که به رشد اقتصادی کمک می‌کند. اما این ویژگی در کشور ما کمرنگ است. برنامه‌ریزان در ایران تصور کردند با گسترش بخش خدمات، توسعه اتفاق خواهد افتاد و از این نکته مهم که تا زمانی که بخش‌های صنعتی در کشور رونق نگیرند، شاهد خیز اقتصادی و رشدهای باکیفیت نخواهیم بود، غافل ماندند.

یکی دیگر از مسائلی که کشور ما به آن گرفتار شده تغییر تعادل جمعیتی شهر و روستا به نفع شهرنشینی و حاشیه‌نشینی و به زیان روستاها است. روند نامتعادل مهاجرت، مشکلات اقتصادی را افزایش داده و دستیابی به توسعه را پیچیده کرده است. طبق اعلام بانک جهانی در سال ۲۰۱۵، ۷۳ درصد از جمعیت ایران شهرنشین بوده‌اند. دلیل اصلی این موضوع را هم می‌توان در غفلت از بخش کشاورزی و گسترش بی‌رویه و نامتوازن بخش خدمات دانست.

^۱ GNI Per Capita (2011 PPP \$)

^۲ این داده‌های مربوط به کل جمعیت زنان و کل جمعیت مردان می‌باشند.

^۳ داده مربوط به کشور جیبوتی اعلام نشده است.

جدول (۵) نمایی از برخی از شاخص‌های توسعه جهانی ایران

۲۰۱۶	۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	شاخص
۰.۳	۱	۲۶	۶	سرانه فقر ۱,۹ دلار در روز (بر اساس برابری قدرت خرید ۲۰۱۱)، (درصد از جمعیت)
۱۷۳	جمعیت شهرنشین (درصد از کل)
۱۰	۷	۹	۱۳	ارزش افزوده کشاورزی، (درصد از GDP)
۳۵	۴۵	۴۱	۳۴	ارزش افزوده صنعت، (درصد از GDP)
۵۵	۴۹	۵۰	۵۴	ارزش افزوده خدمات و غیره، (درصد از GDP)

Source: <http://wdi.worldbank.org/table>



نتیجه‌گیری

بررسی شاخص‌های مختلف توسعه در ایران حاکی از آن است که اقتصاد کشورمان علی‌رغم سابقه طولانی در تدوین برنامه‌های توسعه، هنوز به توسعه دست نیافته و همه کوشش‌های صورت گرفته در این خصوص، بیشتر بر پایه رشدهای کمی و نه کیفی بوده است.

بررسی‌ها نشان داد که رشد اقتصادی در ایران طی دهه‌های اخیر به عنوان یکی از ده‌ها شاخص توسعه، از ثبات و پایداری لازم برخوردار نبوده است. بخش اعظم این رشد نیز ناشی از فروش منابع تجدیدناپذیر همچون نفت و گاز می‌باشد. وضعیت شاخص‌های مربوط به فقر و توزیع درآمد نیز در شرایط مطلوبی قرار ندارد.

در زمینه توسعه انسانی اقدامات نسبتاً رضایت بخشی در خصوص آموزش به‌ویژه در مورد زنان صورت گرفته است اما با وجود کسب امتیازهای نسبتاً بالا در این شاخص، همچنان اقتصادمان قادر به جذب موثر این سرمایه‌ها نیست، به طوری که بخش اعظمی از جمعیت زنان کشور، در اقتصاد مشارکت ندارند و بر این اساس میزان درآمد ناخالص ملی سرانه زنان در مقایسه با مردان، بسیار پایین‌تر است که به تشدید نابرابری جنسیتی منجر گردیده است.

برای خروج از وضعیت نامطلوب فعلی، چاره کار در تحولات اساسی و زمان‌بر است که به عزم سیاسی و اراده دولت و ملت بستگی دارد. از یک سوی نیاز است برای تحقق رشد مطلوب اقتصادی از نظر کمی و کیفی، تحول فکری و ذهنی متناسب با دنیای صنعتی امروز همراه با انباشت ذخایر علمی و فن‌آوری و بکارگیری آنها در فرایند تولید اتفاق افتد و از سوی دیگر لازم است به‌طور جدی، تامین سطح بالایی از رفاه و بهداشت روانی و نیز ارتقای فرهنگی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

منابع فارسی:

۱. آل یاسین، احمد، (۱۳۹۴)، ایران و شاخص‌های توسعه جهانی، تهران: انتشارات سمر.
۲. تودارو، مایکل؛ فرجادی، غلامعلی (۱۳۸۷)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، تهران: انتشارات کوهسار.
۳. چانگ، ها-جون، (۱۳۹۲)، بیست و سه گفتار درباره سرمایه‌داری، مترجم: ناصر زرافشان، نشر مهر ویستا
۴. شاکری، عباس، (۱۳۹۵)، مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران، تهران: انتشارات رافع.
۵. قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۳)، اقتصاد رشد و توسعه، تهران: نشر نی.
۶. کمیسیون اقتصاد کلان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، (۱۳۹۵)، "اشتباهات و غفلت‌ها، فرصت‌های سوخته و امیدهای پیش‌رو".
۷. متوسلی، محمود، (۱۳۹۶)، توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، ریکرد مادگرایی و روش‌شناسی، تهران: سمت.
۸. میر، جرالذ؛ استیگلیتز، جوزف، (۱۳۸۴)، پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم‌انداز: ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)؛ تهران: نشر نی.
۹. مومنی، فرشاد، (۱۳۸۳)، "توسعه اقتصادی ایران در عصر جهانی شدن"، پایان‌نامه برای دریافت درجه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۰. سازمان برنامه و بودجه، پرتال ملی مشارکت عمومی - خصوصی:

منابع لاتین:

1. [https:// worldbank.org](https://worldbank.org), World Development Indicators
2. [https:// undp.org](https://undp.org), Human Development Report (2016)



فرم ارزیابی بروشور

۱- مفاهیم ارائه شده در بروشور اقتصاد به زبان ساده را تا چه میزان مفید ارزیابی می‌کنید؟

□ عالی □ خوب □ متوسط □ ضعیف

۲- آیا با تهیه نسخه‌های بعدی بروشور موافقت می‌کنید؟

□ بلی □ خیر

۳- پیشنهادات شما برای بهبود نسخه‌های بعدی بروشور چیست؟

.....

.....

.....

۴- از نظر شما در نسخه‌های بعدی بروشور، بایستی به معرفی چه متغیرها یا مفاهیم اقتصادی پرداخته شود؟

.....

.....

.....

۵- برگزاری چه دوره‌های آموزشی را برای به‌روزرسانی دانش هیئت نمایندگان محترم پیشنهاد می‌نمایید؟

.....

.....

.....

لطفاً این فرم را پس از تکمیل جدا نموده و به دفتر مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق ایران تحویل فرمایید.

یادداشت

A series of horizontal dotted lines for writing notes, consisting of 18 rows.

